

و چهلمین کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی



میلاد پیامبر اکرم(ص)، برای جهان اسلام صرفاً یادآور ولادت شخصیتی بزرگ در تاریخ نیست؛ یادآور ظهور منطقی است که قرار بود مناسبات انسان‌ها و جوامع را از مدار خشونت، تعصب و واگرایی خارج کند و بر محور رحمت، کرامت و هدایت سامان دهد. قرآن، پیامبر اسلام(ص) را نه فقط پیام‌آور رحمت، بلکه خود «رحمة للعالمین» معرفی می‌کند؛ تعبیری که افق رسالت نبوی را از محدوده یک قوم، جغرافیا یا حتی یک جامعه دینی فراتر می‌برد و آن را به الگویی برای تنظیم رابطه با همه انسان‌ها و همه جهان تبدیل می‌کند.

هم‌زمانی میلاد پیامبر رحمت(ص) با برگزاری چهلمین کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی، فرصتی است تا بار دیگر از خود بپرسیم: در جهانی که شکاف‌های مذهبی، منازعات سیاسی و رقابت‌های قدرت، پیکره امت اسلامی را فرسوده کرده است، جایگاه «رحمت» در منطق وحدت کجاست؟ آیا وحدت اسلامی صرفاً یک ضرورت سیاسی برای مواجهه با دشمن مشترک است یا ریشه‌ای عمیق‌تر در منطق رسالت پیامبر(ص) دارد؟

پاسخ را باید در بازخوانی نسبت میان رحمت و امت جست‌وجو کرد.

وحدت، پیش از آنکه یک توافق سیاسی باشد، نیازمند نوعی بازسازی در شیوه نگاه مسلمانان به یکدیگر است. جامعه‌ای که اعضای آن یکدیگر را صرفاً از دریچه اختلافات کلامی، تاریخی و فقهی ببینند، حتی اگر در مقطعی به ائتلاف سیاسی برسند، از درون با بحران بی‌اعتمادی مواجه خواهد بود. ائتلاف ممکن است بر اساس ضرورت شکل گیرد، اما وحدت پایدار تنها زمانی امکان‌پذیر است که انسان مسلمان، دیگری را پیش از آنکه «مخالف» ببیند، عضوی از امت بداند.

در اینجا است که منطق رحمت نبوی به یکی از بنیادی‌ترین مبانی تقریب مذاهب تبدیل می‌شود.

قرآن کریم در توصیف شخصیت پیامبر(ص)، از نرم‌خویی و مدارایی سخن می‌گوید که راز گردآمدن انسان‌ها پیرامون اوست: «فَعَلِمَ مَا رَحْمَةً مِنَ اللَّهِ لِيَذَرَ لَّهُمْ وَّلَوْ كُذِّبَتْ فَظَّالًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَا يُفْهَمُ وَلَا مِنْ حَوْزٍ لِكَ». این آیه تنها گزارشی از یک فضیلت اخلاقی نیست؛ بلکه یک قاعده اجتماعی و تمدنی را نیز آشکار می‌کند: جامعه با خشونت، تحقیر و تندخویی ساخته نمی‌شود. حتی حقیقت، هنگامی که با تحقیر انسان‌ها همراه شود، قدرت جذب و اقناع خود را از دست می‌دهد.

امروز بخشی از بحران جهان اسلام دقیقاً از همین نقطه آغاز می‌شود. اختلاف نظر، که می‌تواند زمینه گفت‌وگو و پویایی علمی باشد، به نزاع هویتی تبدیل می‌شود؛ تفاوت مذهبی، جای خود را به نفی و طرد می‌دهد؛ و زبان علمی و استدلالی، میدان را به زبان تکفیر، توهین و تحقیر واگذار می‌کند. در چنین فضایی، اختلاف دیگر یک مسئله معرفتی نیست، بلکه به ابزاری برای مرزبندی‌های خصمانه تبدیل می‌شود.

حال آنکه سیره پیامبر رحمت(ص) نشان می‌دهد که رحمت به معنای حذف حقیقت یا چشم‌پوشی از اصول نیست. پیامبر(ص) در عین استواری بر مبانی توحید و رسالت، در مواجهه با انسان‌ها منطق گفت‌وگو، مدارا، کرامت و هدایت را در پیش می‌گرفت. رحمت نبوی، ضعف در برابر باطل نبود؛ بلکه قدرتی اخلاقی و اجتماعی بود که امکان تحول انسان‌ها و ساختن جامعه را فراهم می‌کرد.

از این منظر، تقریب مذاهب نیز نباید به معنای یکسان‌سازی مذاهب یا نادیده گرفتن تفاوت‌های واقعی تلقی شود. وحدت اسلامی زمانی معنا پیدا می‌کند که مسلمانان بتوانند در عین حفظ هویت مذهبی و میراث علمی خود، برای یک هدف بزرگ‌تر، یعنی حفظ کرامت و قدرت امت اسلامی، در کنار یکدیگر قرار گیرند. تقریب، حذف «دیگری» نیست؛ بلکه تغییر نسبت ما با «دیگری» است؛ عبور از منطق خصومت به منطق شناخت، گفت‌وگو و همکاری.

چهلمین کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی می‌تواند در چنین افق معنایی تازه پیدا کند. عدد چهل، اگر صرفاً به تکرار یک رویداد سالانه تقلیل یابد، اهمیت چندانی نخواهد داشت؛ اما چهار دهه استمرار این گفت‌وگو می‌تواند نقطه‌ای برای بازاندیشی باشد: امروز وحدت اسلامی در چه وضعیتی قرار دارد؟ چه مقدار از ظرفیت‌های علمی، فرهنگی و اجتماعی جهان اسلام در خدمت همگرایی قرار گرفته و چه اندازه از آن همچنان درگیر نزاع‌های فرساینده درون‌اسلامی است؟

شاید مهم‌ترین وظیفه کنفرانس چهلیم، بیش از افزودن بر شمار بیانیه‌ها و نشست‌ها، بازگرداندن «رحمت» به ادبیات و سازوکارهای روابط میان مذاهب اسلامی باشد. این امر البته به معنای توصیه‌های اخلاقی کلی نیست. رحمت در عرصه اجتماعی باید به سازوکار تبدیل شود: به گفت‌وگوی مستمر میان عالمان، به تولید ادبیات مشترک، به مقابله با نفرت‌پراکنی مذهبی، به دفاع از حرمت مقدسات همه مسلمانان و به ایجاد شبکه‌هایی که بتوانند در برابر پروژه‌های سازمان‌یافته تفرقه واکنش مؤثر نشان دهند.

جهان اسلام امروز بیش از هر زمان دیگری به سرمایه اجتماعی نیاز دارد و هیچ سرمایه‌ای برای امت اسلامی مهم‌تر از اعتماد متقابل نیست. این اعتماد با نادیده گرفتن اختلافات به دست نمی‌آید، بلکه با مدیریت عالمانه آنها شکل می‌گیرد. هنر امت اسلامی این نیست که همه را یکسان کند؛ هنر آن است که تکرر موجود را از منبع نزاع به ظرفیت همکاری تبدیل کند.

پیامبر(ص) «رحمت للعالمین» بود و این رحمت، در میدان عمل خود را در احترام به انسان، دلسوزی برای هدایت او، گذشت در جایگاه قدرت، نرم‌خویی در روابط اجتماعی و تلاش برای ساختن جامعه‌ای بر پایه کرامت نشان می‌داد. شاید امروز نیز مهم‌ترین پرسش پیش روی جریان وحدت اسلامی همین باشد که تا چه اندازه توانسته‌ایم این منطق را از سطح ستایش پیامبر(ص) به عرصه رفتار اجتماعی و مناسبات مذهبی منتقل کنیم.

میلاد پیامبر رحمت(ص) و برگزاری چهلمین کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی می‌تواند فرصتی برای یک بازگشت باشد؛ بازگشت به این حقیقت که امت اسلامی با غلبه یک مذهب بر مذهب دیگر ساخته نمی‌شود، بلکه با غلبه اخلاق نبوی بر تعصب، گفت‌وگو بر تکفیر، کرامت بر تحقیر و رحمت بر نفرت شکل می‌گیرد.

امروز شاید بیش از هر زمان دیگر، جهان اسلام نیازمند آن است که پیام وحدت را نه صرفاً در سالن‌های کنفرانس، بلکه در زبان، رسانه، مسجد، حوزه، دانشگاه و رفتار اجتماعی خود بازتاب دهد. اگر قرار

است چهلمین گام در مسیر وحدت، معنایی فراتر از تکرار گذشته داشته باشد، باید از همین‌جا آغاز شود؛ از تبدیل رحمت نبوی به منطق عملی همزیستی و همگرایی در امت اسلامی.

پیامبر رحمت(ص) امت را برای آن ساخت که مسلمانان در برابر یکدیگر صف‌آرایی کنند؛ او امتی را بنیان نهاد که بتواند در عین تنوع، حول حقیقتی مشترک گرد آید و در برابر ظلم، تحقیر و سلطه ایستادگی کند. بازخوانی این میراث، شاید مهم‌ترین وظیفه امروز ما و مهم‌ترین معنایی باشد که می‌توان برای چهلمین کنفرانس وحدت اسلامی در آستانه میلاد پیامبر اعظم(ص) جست‌وجو کرد.

امید علی پور

سردبیر سایت های مجمع جهانی تقریب مذاهب